

مقاله پژوهشی

مؤلفه‌های مؤثر در طراحی فضاهای فرهنگی از منظر اسناد بین‌المللی*

عسل ستار^{۱*}، بهرام گسبیلی^۲، یاور رستم‌زاده^۳

۱. کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده معماری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۳. استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده معماری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۱۷ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۱

چکیده | معماری معاصر به دلیل گسست از فرهنگ و هویت بومی خود قادر به ایفای نقشی که برعهده دارد نبوده و این گسست پیامدهای غیرقابل جبرانی به همراه داشته است، به گونه‌ای که معماران را از اصل و ریشه حقیقی خویش دور کرده و بی‌توجهی ایشان را به قوانین و اصول حقیقی حاکم بر طراحی بناها به‌ویژه بناهای فرهنگی که نقشی هویت‌ساز را در جامعه دارند، در پی داشته است. لذا بررسی حقوق و قوانین حاکم بر فضاهای فرهنگی به‌خصوص در سطح بین‌الملل به دلیل گستردگی وظیفه‌ای که در ترویج و حفظ فرهنگ اقوام و آموزش علوم و فنون دارند یک ضرورت مهم تلقی می‌شود که باید در طراحی این‌گونه فضاها مدنظر قرار گیرد. از این‌رو هدف اصلی پژوهش بررسی حقوق مرتبط با فضاهای فرهنگی مندرج در اسناد بین‌المللی منتخب پژوهش جهت استخراج اصول و مؤلفه‌هایی برای بهبود کیفی و عملکردی این مکان‌های ارزشمند در نظر گرفته شده است. به دلیل عمومیت فضاهای فرهنگی و از آنجاکه بیشترین مخاطبین فضاهای فرهنگی کودکان قلمداد می‌شوند، ضروری است حقوق فرهنگی مرتبط با کودکان مندرج در اسناد بین‌المللی نیز مورد توجه و ارزیابی قرار گیرند. در این راستا تلاش شده است با بررسی اسناد بین‌المللی منتخب شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶، پیمان نامه حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ که در آن‌ها به ضوابط حقوق فرهنگی اشاره شده است، به تعدادی از الزامات و مؤلفه‌ها دست یافت که در نهایت به ارائه راه‌کارهای معمارانه برای دستیابی به این الزامات منتهی می‌شود. این راه‌کارها از قابلیت ارتقاء کیفی فضاهای فرهنگی و اعمال حقوق مربوطه برخوردارند. روش پژوهش، کیفی بوده و شیوه گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای است. نتیجه پژوهش حاکی از مؤلفه‌هایی اثرگذار چون اجتماع‌پذیری، تجلی هویت ایرانی، پاسخ‌گویی فضاها به نیازهای کودکان و بهره‌وری و سودمندی فضا در مکان‌های فرهنگی است.

واژگان کلیدی | اسناد بین‌المللی، فضاهای فرهنگی، حقوق فرهنگی، مؤلفه‌های مؤثر طراحی.

تغییرات اجتماعی حیات و تکامل بشر تنها از طریق فرهنگ میسر می‌شود (چیت‌ساز، همایون‌سپهر و امیرمظاهری، ۱۳۹۶، ۱۳۸). علاوه بر آن گسترش سریع شهرنشینی سبب پیامدهای فرهنگی اجتماعی مانند بی‌اعتمادی، احساس عدم امنیت،

مقدمه | تغییرات اجتماعی ناشی از پیدایش و انتقال فناوری از موضوعات پیچیده عصر جدید بوده که توسعه، نوسازی، تغییرات فرهنگی و در مواردی تناقض‌ها و بن‌بست‌های اجتماعی - فرهنگی به همراه داشته است. در مسیر این

دکتر «یاور رستم‌زاده» در دانشکده معماری دانشگاه محقق اردبیلی انجام شده است.
* نویسنده مسئول: asal.sattar.1360@gmail.com، ۰۹۱۳۹۶۱۱۲۵۸

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد «عسل ستار» با عنوان «طراحی فرهنگسرای بنی‌هاشمیان با توجه به الگوی معماری حسینه‌های دوره قاجار کاشان» است که به راهنمایی دکتر «بهرام گسبیلی» و با مشاوره

صورت فردی، گروهی و یا اجتماعی و به شکل‌های مختلف در قالب ادبیات، هنر، ارتباطات و اطلاعات، معماری، موسیقی، شیوه زندگی و... تجلی یافته و ابراز شود» (کاوسی، ۱۳۹۷، ۱۵۹). بنابراین هر آنچه که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در ساختن و ارتقاء فرهنگ مردم جامعه دخیل است یا به نحوی با امور فرهنگی آموزشی مرتبط می‌شود، مانند فرهنگسراها، کتابخانه‌ها، آمفی‌تئاترها و ... مشمول حقوق فرهنگی می‌شوند. به دلیل فراگیری و گستردگی حقوق فرهنگی در سطح ملی و بین‌الملل و نفوذ فرهنگ غالب از سوی کشورهای توسعه‌یافته به دلیل برتری تکنولوژیکی و اقتصادی در سایر ممالک تحت نفوذ و به تبع آن از میان رفتن و محوشدن گونه‌های فرهنگ بومی به ویژه تأثیرپذیری معماری بومی اقوام و ملل گوناگون از معماری ممالک غالب و از بین رفتن هویت بومی‌شان، توجه پژوهش معطوف به بررسی حقوق فرهنگی در سطح بین‌المللی آن است. هدف اصلی پژوهش استخراج مؤلفه‌های مؤثر در طراحی فضاهای فرهنگی براساس حقوق فرهنگی مندرج در اسناد بین‌المللی است، تا بتوان بستری مطلوب جهت گردآمدن اقشار مختلف اجتماعی و تبادل و ارتقاء فرهنگی-اجتماعی جامعه را فراهم کرد. در این راستا تلاش شده با بررسی محتوای اسناد بین‌المللی منتخب، شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ (۱۹۴۸)، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۲ (۱۹۶۶) و نیز مطالعه پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه به تعدادی از الزامات، حقوق و راه‌کارهایی که می‌توانند در ارتقاء طراحی فضاهای فرهنگی مؤثر واقع شوند و حقوق مربوطه را اعمال کنند دست یافت. همچنین به دلیل عمومیت فضاهای فرهنگی و حضور پررنگ و فعال کودکان در مکان‌های فرهنگی و نقش آینده‌ساز این قشر پراهمیت جامعه پیمان‌نامه حقوق کودک^۳ مصوب (۱۹۸۹) نیز مورد توجه و ارزیابی قرار گرفته است. لازم به ذکر است که مفاد این اسناد از بعد طراحی معماری و اکاوی شده و اثرات فرهنگی و اجتماعی آن‌ها نیز مورد توجه پژوهش بوده است؛ به عبارتی پژوهش، مؤلفه‌های مؤثر بر حضور افراد، رفتارهای اجتماعی و سازمان‌دهنده جامعه را مدنظر قرار می‌دهد. لذا با توجه به اهمیت و نقش جامعه‌شناسانه مراکز فرهنگی جهت طراحی فضاهای فرهنگی کارآمد ضرورت ایجاد می‌کند به شناخت مؤلفه‌های معمارانه‌ای که حقوق فرهنگی در سطح بین‌الملل الزام می‌کند پرداخته شود. در این راستا سؤالاتی که این تحقیق مطرح می‌کند عبارتند از ۱. در ارتباط با طراحی فضاهای فرهنگی چه حقوق فرهنگی در اسناد بین‌المللی ذکر شده است؟ ۲. با توجه به رابطه مخاطب با فضاهای فرهنگی چه مؤلفه‌ها و ضوابط طراحی معماری را می‌توان از مطالعه اسناد بین‌المللی استخراج کرد؟ فرضیه پژوهش بر این مبنا شکل گرفته است که معماری فضاهای فرهنگی از حقوق مندرج در اسناد بین‌المللی برخوردار بوده که طراحان ملزم به رعایت

تنهایی، گم‌گشتگی، افت و فاق اجتماعی، افزایش خشونت‌های اجتماعی، منش‌های فردگرایانه، کاهش همدلی و همبستگی‌های اجتماعی و ... شده است (مقصودی، نوابخش و سیدمیرزایی، ۱۳۹۸، ۳۴-۳۶). به‌عبارتی با رشد شهرنشینی و تحول الگوها، فقدان فضاهای فرهنگی با معماری اصیل بر کیفیت حضور افراد و تعاملات اجتماعی تأثیر داشته و فرصت تعامل و تجربه محیطی فرهنگی را از آن‌ها گرفته است (منصوری و ثقفی‌اصل، ۱۳۹۹، ۲۷۰). جامعه نیازمند فضایی است که علاوه بر بهبود ارتباطات اجتماعی به وسیله فرهنگ‌سازی مناسب ارتقاء فرهنگی آن جامعه را سبب شود، لذا مراکز فرهنگی از نظر اجتماعی و کالبدی حائز اهمیت هستند. فضاهای فرهنگی به دلیل نقشی که در انتقال و معرفی فرهنگ بومی - اسلامی در جامعه ایرانی بر عهده دارند از حقوق متمایز و ویژه‌ای در ترویج فرهنگ مذهبی و حیات اجتماعی به وسیله فضا و محیطی که به واسطه معماری خود خلق می‌کنند برخوردارند؛ طراحی معماری مرکزی فرهنگی با توجه به مؤلفه‌های مؤثر فرهنگی اجتماعی براساس نیازهای اجتماعی انسان نظیر افزایش زمینه تعاملات اجتماعی و پیوند با مذهب و ارزش‌های ملی و معرفی آن به دیگر جوامع زمینه رشد و بالندگی فرهنگی - اجتماعی افراد جامعه را فراهم می‌آورد. فضاهای فرهنگی در دسته فضاهای عمومی جا می‌گیرند (محمدی و آیت‌اللهی، ۱۳۹۴، ۸۱). امروزه ساخت فضاهای عمومی به عنوان میراثی ماندگار از فرهنگ و هویت جوامع در مقیاس‌های مختلف شهری به دلیل نیاز اجتماعی انسان به فضاهای عمومی شهری به عنوان بستری جهت برقراری تعاملات اجتماعی تلقی می‌شود (صادقی، موسوی سروینه‌باغی و پاستون، ۱۳۹۷، ۱۵۰). ویژگی اصلی فضاهای عمومی با دسترسی بالا بیان‌گر زندگی جمعی، فرهنگ شهری و مباحث روزمره مانند مذهب، هنر، تجارت و ... است (منصوری و ثقفی‌اصل، ۱۳۹۹، ۲۷۲).

بنابراین الزامات طراحی فضاهای عمومی در مورد فضاهای فرهنگی نیز صادق است، علاوه‌براین رعایت این موضوع که فضاهای فرهنگی باید به نحوی سامان‌دهی و طراحی شوند که پذیرای اقشار مختلف جامعه شوند آن‌ها را از حقوق حساس‌تر و جدی‌تری برخوردار می‌کند. به عبارتی از آنجاکه وظیفه سنگینی بر عهده مراکز فرهنگی در زمینه احیا و حفظ هویت جامعه و فرهنگ بومی منطقه است، لذا این حق و وظیفه خود اعمال تعدادی از حقوق معمارانه را در طراحی فضاهای فرهنگی ایجاد می‌کند. حقوق مذکور خود زیرمجموعه حقوق فرهنگی هستند.

«مبنای حقوق فرهنگی را می‌توان حق بر انجام و بهره‌مندی و دسترسی آزادانه و بدون تبعیض به کالاها و فعالیت‌های فرهنگی، در هریک از حوزه‌های فرهنگ از جمله زبان، عقیده، مذهب، هنر، ارزش‌ها، سنت‌ها دانست که می‌تواند به

مبانی نظری

زیربنا و ساختار اصلی پژوهش را دو مفهوم مهم حقوق و فرهنگ شکل می‌دهند که خود دارای دو زیرمفهوم حقوق فرهنگی و فضاهای فرهنگی هستند. جهت مطالعه و فهم مفاد مندرج در اسناد بین‌الملل باید از درک مناسبی نسبت به این مفاهیم برخوردار بود. لذا در ادامه به تبیین دقیق این مفاهیم پرداخته می‌شود.

• حقوق

در لغت‌نامه دهخدا واژه حقوق جمع حق، حق‌ها، سزاهای پادشاه و واجبات معنی شده است که کلمه حق نیز به معنای ثابت، راست، صدق، واجب‌کردن و سزاوارشدن آورده شده است (دهخدا، ۱۳۳۰، ۷۳۷ و ۷۴۵). مجموع قواعد زندگی بشر حقوق را می‌سازد. به عبارتی «علم حقوق» قواعد حاکم بر روابط اجتماعی انسان را یافته و تدوین می‌کند و آن قواعد را به شکل قانون جهت اجرا درمی‌آورد؛ موضوع حقوق روابط اجتماعی انسان بوده که به دلیل گستردگی و پیچیدگی این روابط موضوعات بسیاری را شامل می‌شود (قیومزاده و جهانگیری مقدم، ۱۳۹۳، ۹۲). حقوق تجسم آشکار «فرهنگ»، تفکر و باورهای اقوام محسوب می‌شود؛ امروزه مردمی‌سازی، پالایش، کارآمدی و بهره‌وری فرهنگ نیازمند قاعده‌مندی و سامان‌دهی به واسطه علم حقوق است. فرهنگ تجلی‌گاه اصول حقوق است که به عنوان مجموعه قواعد کلی شالوده قوانین و مقررات تلقی می‌شود (فصیح‌رامندی، ۱۳۹۶، ۱۶۴). طبق نظر زنده‌یاد دکتر امیرناصر کاتوزیان، از واژه «حقوق» در زبان فارسی معنای گوناگونی برداشت می‌شود که مهم‌ترین و مرتبط‌ترینشان با موضوع مورد بحث این پژوهش به اختصار عبارت‌اند از، ۱- مجموع قواعدی که به اشخاص در اجتماع حاکم است و ۲- برای تنظیم روابط و حفظ نظم در جامعه، هر فردی از حقوقی برخوردار است که آن را حقوق فردی می‌نامند مانند حق حیات و حق مالکیت (زرشکیان، ۱۳۹۴، ۴۴۸ و ۴۴۹)؛ حقوق فرهنگی تلفیقی از هر دو تعریف را دربردارد و زیرمجموعه‌ای از حقوق شهروندی محسوب می‌شود. در ادامه به تعریف دقیق‌تری از فرهنگ و حقوق فرهنگی پرداخته می‌شود.

• فرهنگ

فرهنگ واژه‌ای فارسی و مرکب از دو جزء «فر» و «هنگ» است. «فر» به معنای شکوه و عظمت است و اگر به‌عنوان پیشوند به کار رود به معنای جلو، بالا، پیش و بیرون است. «هنگ» از ریشه اوستایی «تنگ» به معنای کشیدن، فریختن و فرهنگ است. هر دو مطابق است با ادوکات^۴ و ادوارد^۵ در لاتین که به معنی فرهنگ است که علم و دانش و ادب است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۷۱۳۲). در فرهنگ معین فرهنگ به معنای

آن‌ها هستند و دیگر این‌که این حقوق قابلیت استخراج مؤلفه‌های مؤثر در طراحی و به تبع آن راه‌کارهای معماری را دارند. بنابراین تلاش شده با مطالعه اسناد و پژوهش‌های انجام‌شده فرضیه مذکور بررسی و اثبات می‌شود.

پیشینه پژوهش

به دلیل حساسیت عملکردی فضاهای فرهنگی، حقوق خاصی باید در طراحی آن‌ها لحاظ شود. با وجود چنین ضرورتی در شناخت و بررسی حقوق مرتبط با طراحی فضاهای فرهنگی، در این زمینه پژوهش‌های معدودی صورت گرفته است، این پژوهش‌ها از جنبه آموزشی و بررسی تأثیر معماری بر یادگیری و پرورش روحی و ذهنی مخاطب و دیگری فرهنگی شامل مؤلفه‌هایی مانند هویت‌بخشی و اجتماع‌پذیری فضا، مکان‌های فرهنگی را مطالعه کرده و راه‌کارهایی ارائه داده‌اند، اما هیچ‌یک به طور مستقیم اشاره‌ای به حقوق فرهنگی نکرده‌اند. لذا حساسیت موضوع و کمبود پژوهش‌های انجام‌شده در رابطه با شناخت و معرفی حقوق مرتبط با طراحی فضاهای فرهنگی ایجاب می‌کند که در این زمینه مطالعات بیشتری صورت گیرد، از این‌رو این پژوهش سعی دارد به مؤلفه‌های مؤثر در طراحی فضاهای فرهنگی، مستخرج از حقوق مندرج در اسناد بین‌المللی بپردازد. از بعد اجتماع‌پذیری فضا، کریلایی حسینی غیاثوند و سهیلی (۱۳۹۷) در پژوهش «بررسی نقش مؤلفه‌های کالبدی محیط در اجتماع‌پذیری فضاهای فرهنگی با استفاده از تکنیک چیدمان فضا، مورد مطالعاتی، مجتمع‌های فرهنگی دزفول و نیاوران» یکی از ویژگی‌های اصلی فضاهای فرهنگی را اجتماع‌پذیری معرفی کرده و به عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن‌ها پرداخته‌اند و این ویژگی را در فرهنگسرای دزفول و نیاوران بررسی کرده‌اند. همین‌طور محمدی و آیت‌اللهی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر در ارتقای اجتماع‌پذیری بناهای فرهنگی، بررسی موردی: فرهنگسرای فرشچیان اصفهان» اجتماع‌پذیری را در فرهنگسرای فرشچیان ارزیابی کرده‌اند و مطالعات و تحلیل‌های راه‌گشایی را در این زمینه ارائه داده‌اند. اوچیزی و مهدی‌نژاد (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بازآفرینی فضای معماری با رویکرد ارتقاء هویت ایرانی» بر اهمیت هویت در کالبد معماری و ارتقاء کیفیت فضای معماری پرداخته‌اند و راه‌کارهایی جهت افزایش کیفیت فضا مبتنی بر یکی از حقوق مهم در طراحی یعنی هویت ایرانی ارائه داده‌اند. در پژوهشی دیگر با عنوان «نقش فرهنگ در ارتقاء هویت معماری» (Ettehad, Karimi Azeri & Kari, 2014)، هویت معماری را در فرهنگ و سنت توصیف کرده‌اند و معماری با هویت را مبتنی بر نیازهای امروز، فرهنگ و سنت گذشته دانسته‌اند.

و بستر اجتماعی برقرار است که در آن مردم و جوامع فضا را خلق کرده و تغییر می‌دهند (صمدی، موسوی و ازکیا، ۱۳۹۸، ۱۰۵). بنابراین یک مرکز فرهنگی باید قابلیت جذب و پذیرش افراد در گروه‌های سنی، جنسیتی، اجتماعی مختلف را دارا باشد، دسترسی‌پذیر بوده و سبب افزایش کیفیت روابط و نظام‌های فرهنگی حاکم بر جامعه و به عنوان شاخص فرهنگی سبب هویت‌بخشی به محل مستقر در آن شود.

این گروه از فضاهای عمومی در مقایسه با دیگر فضاهای عمومی نظیر فضاهای تجاری و تفریحی از محبوبیت عمومی کمتری برخوردار هستند؛ بنابراین تقویت وجوه اجتماعی فضا در طراحی بناهای فرهنگی و اعمال مؤلفه‌های اجتماعی مانند اجتماع‌پذیری در بهبود کیفیت این فضاها مؤثر واقع می‌شود؛ لذا برای بروز رفتارهای اجتماع‌پذیر باید قرارگاه‌ها و مکان‌های رفتاری مورد قبول مردم قرار گیرند (لنگ، ۱۳۹۵، ۱۸۲ و ۱۸۳). از این رو فضاهای فرهنگی یک قرارگاه رفتاری تلقی می‌شوند؛ «قرارگاه‌های رفتاری سازه‌های درونی دارند که می‌تواند با نظام درونی محیط کالبدی هماهنگ شود. به بیان بارکر یک قرارگاه رفتاری فرد را قادر می‌سازد تا به «رضایتمندی» نائل شود. لذا در هر قرارگاه یا مکان رفتاری، محیط کالبدی باید پاسخ‌گوی الگوی جاری رفتار جهت رفع نیازهای انسان باشد» (همان، ۱۲۸-۱۴۲).

با توجه به تعاریف مذکور فضاهای فرهنگی مانند فرهنگسرا به عنوان یک قرارگاه رفتاری باید دارای معماری متناسب با الگوهای رفتاری که در آن روی می‌دهند باشد و قابلیت پاسخ‌گویی به نیازهای افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی را داشته و بتوانند رضایت مراجعین را جلب کنند و از جذابیت، انعطاف‌پذیری و پویایی کافی جهت پاسخ‌گویی به الگوهای ثابت رفتاری متعدد برخوردار شوند.

• حقوق فرهنگی

حقوق فرهنگی به عنوان جزئی از حقوق شهروندی حائز اهمیت بوده و اثرات مختلفی بر جای می‌گذارد (میرباقری طباطبایی مهرآبادی و خزائی، ۱۳۹۷، ۱۴۰). مفهوم حقوق فرهنگی تنها از طریق فرهنگ قابل فهم است، ارتباط حقوق و فرهنگ دوسویه بوده و فرهنگ منشأ حقوق است. تغییرات فرهنگ سبب تغییر در قواعد حقوقی می‌شود (فصیح‌رامندی، ۱۳۹۶، ۱۶۵). حقوق فرهنگی مجموعه‌ای وسیع از طیف رفتارهای انسانی و فعالیت‌های مربوط به خانواده، هنجارهای اجتماعی، آداب و رسوم، مذهب، هنر، معماری، نمایش، موسیقی و ارتباطات بین این پدیده‌هاست. بر این اساس مفهوم حقوق فرهنگی در خصوص ارتباطات بین حقوق و فرهنگ شکل می‌گیرد که دو مفهوم جدایی‌ناپذیر هستند (زرشکیان، ۱۳۹۴، ۴۶۲). حقوق فرهنگی علی‌رغم داشتن نقش مبنایی در حقوق بشر جهانی به عنوان یکی از بخش‌های حقوق بشر جهانی و مفهومی

علم و دانش، تربیت و ادب، عقل و خرد و تدبیر و چاره‌به‌کار رفته است (معین، ۱۳۸۷، ۸۱۶). فرهنگ مجموعه قواعدی را می‌آفریند که شکل ساخته‌شده بازتابی از آن است، به محیط معنی داده و فضای خالی را به مکان تبدیل می‌کند (نظریان و نگهبان، ۱۳۹۲، ۳۰۶). فرهنگ هر جامعه از طریق مظاهر آن مانند زبان، هنر و معماری شناسایی می‌شود و تحلیل در زمینه فرهنگ مربوط به مطالعه مظاهر فرهنگی است. معماری به عنوان موضوعی از زندگی بشر منعکس‌کننده فرهنگ موجود در هر جامعه است که با ویژگی‌های ساختاری، تاریخی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه تعامل نزدیک دارد. مردم در هر کشور سعی می‌کنند هنجارهای آن‌ها را رعایت و با استفاده از آن‌ها ارزش‌های خود را در ساخت معماری حفظ کنند (Ettehad et al., 2014, 410) «فرهنگ مفهومی پیچیده و فراگیر دارای سه بعد و مؤلفه کالبدی (بناها، یادمان تاریخی و کالبد معمارانه فرهنگی تاریخی)، عملکرد (فعالیت‌های نمادین و فرهنگی، تعاملات و تجربه فردی و ارتباطات) و معنا «خاطرات، تصورات، آیین‌ها، ارزش‌ها (فرهنگی، تاریخی، هنری، مذهبی و ...)، مفاهیم فرهنگی نهفته، معناها و آداب و رسوم است» (قلعه‌نویی، معززی مهر طهران و شاکرمی، ۱۳۹۵، ۴۶). می‌توان گفت فرهنگ کلتی پیچیده از هنجارها و ارزش‌ها در سه بعد مادی، معنوی و عملکردی است که هویت، شخصیت، سنت‌ها، آداب و رسوم، آیین‌ها و سبک زندگی یک جامعه را سازمان‌دهی می‌کند و تبعیت احاد اعضای یک جامعه را به همراه دارد، لذا فرهنگ تعیین‌کننده قوانین حاکم بر جامعه و دارای ماهیتی اجتماعی است، البته تأثیر عوامل طبیعی، گرایش‌های فطری، پدیده‌های روانی و رویدادها و سیاست‌های حاکم بر یک جامعه نیز در شکل‌دهی به فرهنگ دخیل‌اند.

• مراکز فرهنگی

در یک تعریف کلی فضاهای فرهنگی بخشی از فضاهای عمومی هستند که افراد را درون سازمان‌های فضایی متنوع خود به شیوه‌ای اختیاری و برای مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی می‌پذیرند. این فضاها، قابلیت لازم جهت تعاملات اجتماعی را دارند، و در ایجاد و ارتقای تعاملات و ارتباطات افراد و حیات اجتماعی مؤثر محسوب می‌شوند (محمدی و آیت‌اللهی، ۱۳۹۴، ۷۹). کارمونا فضاهای عمومی امروز را مکان زندگی اجتماعی دانسته که گامی جهت «معرفت اجتماعی»، «پیشرفت شخصی» و «تبادل اطلاعات» محسوب می‌شود (همان، ۱۳۹۴، ۸۱). فضاهای عمومی دارای دو بعد کالبدی و اجتماعی است. بعد کالبدی آن، دربردارنده فضاها و مجموعه‌هایی با مالکیت عمومی یا خصوصی بوده که تسهیل‌کننده و حمایت‌کننده زندگی عمومی و تعاملات اجتماعی هستند (ماجدی، منصوری و حاجی‌احمدی، ۱۳۹۰، ۲۷۵). بعد اجتماعی آن به چگونگی استفاده مردم از فضا بستگی دارد، رابطه‌ای دوطرفه بین فضا

فرهنگی است (شایان‌فر، حسینی و مؤمنی، ۱۴۰۰، ۱۸۷)، یکی از برنامه‌های تحولی فرهنگ می‌تواند تحول معماری قلمداد شود به‌ویژه در فضاهای فرهنگی که پذیرای جمعی کثیر از افراد است و فضایی عمومی محسوب می‌شود. به عبارتی در ساخت شهرهای ایرانی - اسلامی اهمیت فضاهای عمومی در تأمین منافع گروه کثیری از شهروندان است، همچنین نقش آموزشی بناهای عمومی در ترویج و اشاعه اصول دین و فرهنگ اسلامی ضمن رعایت حقوق افراد حائز اهمیت است (امان‌پور و سعیدی، ۱۳۹۶، ۹۹).

مفاهیم «فرهنگ مستقل و انسانی» در کلام امام بیان‌گر جهانی‌شدن در چهارچوب اسلام است که باید «حقوق تمام ملل، مذاهب و گروه‌ها مورد مطالبه قرار گرفته و از حقوق برابر فرهنگی برخوردار شوند، در این صورت جوامع اسلامی قدرت عرضه خود را در سطح جهانی خواهند داشت» (فخرزاد، ۱۳۹۲، ۱۳۱). از طرفی «اسلام بر طراحی فضاها و محیط‌های شهری برای رفع نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمام افراد جامعه تأکید می‌کند» (احمدیان و اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۳، ۱۱۲). شهر اسلامی عناصر پراکنده فرهنگی دنیا را جذب کرده و با هماهنگ‌سازی، یک نظام فکری نو می‌آفریند (امان‌پور و سعیدی، ۱۳۹۶، ۱۰۱). همچنین اسلام در مقام دین آسمانی «اهداف و آموزه‌هایی دارد که تحقق آن‌ها مستلزم برقراری روابط با جوامع دیگر و با بستگی حقوق بین‌المللی است» (سلیمی، ۱۳۹۴، ۸۱). مطالب مذکور اهمیت حقوق فرهنگی در جامعه اسلامی و شناخت آن در سطح بین‌المللی را منعکس می‌کند. بنابراین در ادامه به مطالعه و بررسی اسناد بین‌المللی پرداخته می‌شود.

• اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)

در اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۳۹۷)، ماده ۲۷، بند ۲و۱، به معرفی و بهره‌مندی از حقوق فرهنگی پرداخته شده است بدین مضمون، «۱- هر شخص حق دارد آزادانه در حیات فرهنگی اجتماع خویش مشارکت کند، از انواع هنرها برخوردار شود و در پیشرفت علمی سهیم گشته و از منافع آن بهره‌مند شود. ۲- هر شخصی به عنوان آفرینش‌گر، حق حفاظت از منافع مادی و معنوی حاصل از تولیدات علمی، ادبی یا هنری خویش را داراست» (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۳۹۷، ۸). از این دو بند حق عدالت فرهنگی و آموزشی استنباط می‌شود که اولاً طراحی مراکز فرهنگی باید به‌گونه‌ای باشد که کلیه افراد امکان بهره‌گیری و استفاده از آنرا داشته باشند، و فضاها به‌گونه‌ای طراحی شوند که توانایی پذیرش افراد در سنین مختلف را داشته باشند و در طراحی آن‌ها ویژگی‌های افراد مختلف از نظر سنی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در نظر گرفته شود که به مؤلفه اجتماع‌پذیری فضا اشاره دارد. همچنین بنابر بند ۲ ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر،

پیچیده در مجموعه قوانین بین‌المللی مورد بی‌توجهی قرار گرفته است و آگاهی به آن از ارکان اولیه سیاست‌گذاری فرهنگی جهت اعتلای کیفیت زندگی و دستیابی عموم به فرهنگ و امکانات فرهنگی است (فصیح‌رامندی، ۱۳۹۶، ۱۷۴). حقوق فرهنگی دسته‌ای از حقوق مندرج در اسناد بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به خود اختصاص داده است (فضائل و کرمی، ۱۳۹۶، ۱۳). پژوهش حاضر براساس حقوق فرهنگی بین‌المللی طرح‌ریزی شده است. در مباحث بعدی به سه نمونه از اسناد بین‌المللی با مفاد حقوق فرهنگی که پژوهش حول آن شکل گرفته است پرداخته می‌شود. بنابراین مفهوم فرهنگ است که حقوق فرهنگی را تعریف کرده و ضوابط آن را مشخص می‌کند.

• اهمیت فرهنگ و حقوق فرهنگی در جامعه اسلامی ایران

در جهان‌بینی اسلامی، فرهنگ منبعث از وحی و دربردارنده نظام اعتقادات، ارزش‌ها، اخلاقیات و رفتارها بوده که جهت‌دهنده به جامعه اسلامی است، فرهنگ ایرانی اسلامی همان فرهنگ متعالی اسلامی نفوذ یافته در روح و کالبد فرهنگ کهن ایرانی است که متناسب با تاریخ، جغرافیا، مذهب و زبان طی چند قرن تکامل یافته است (امان‌پور و سعیدی، ۱۳۹۶، ۸۳). اصول ایرانی اسلامی نشأت گرفته از ارزش‌ها و اعتقادات فرهنگی با ماهیت احکام اسلامی است که زندگی و سکونت‌گاه‌های مسلمین را تحت تأثیر قرار می‌دهد (همان، ۱۰۱). بنابراین فرهنگ ایرانی معرف مذهب او بوده که سبک زندگی و معماری‌اش را شکل می‌دهد.

فرهنگ از دید استاد مطهری در معنای خاص، اندوخته‌های معنوی اسلام که دینی فرهنگ‌ساز است تلقی شده و در ذیل آن قرار می‌گیرد اما فرهنگ در معنای عام، مجموعه اندوخته‌های معنوی جامعه بوده که در تعامل دوسویه با دین مبتنی بر حقیقت‌جوئی است (یعقوبیان، ۱۳۹۴، ۵). امام خمینی (ره) آفت بزرگ مسلمانان را بیگانه‌زدگی معرفی کرده و تنها راه مواجهه با آن و رسیدن به هویت اصیل را تحول فرهنگی دانسته: «باید در این سال جدید عنایت زیاد بشود؛ اول به فرهنگ. این فرهنگ باید متحول بشود به یک فرهنگ سالم، یک فرهنگ مستقل و یک فرهنگ انسانی» (موسوی خمینی، ۱۳۵۷، ۳۹۶). حضرت امام پرداختن به فرهنگ را در اولویت برنامه‌های تحولی کشور قرار داده که این اهمیت فرهنگ را در جامعه اسلامی نشان می‌دهد، چراکه فرهنگ در تعاملی دوطرفه با دین بوده و از اسلام تأثیر پذیرفته لذا معرف جامعه‌ای اسلامی با هویت غنی محسوب می‌شود.

از آنجا که از صفات حسنه مؤمنان در دین اسلام فعال بودن در عرصه‌های مختلف زندگی، از جمله مشارکت در فعالیت‌های

را دارند، بنابراین معماری مراکز فرهنگی چون فرهنگسراها باید قابلیت پذیرش تمامی اقشار جامعه را داشته باشد. از قسمت ب بند ۱ استفاده از علم روز در طراحی و ساخت بناهای فرهنگی برداشت می‌شود. همچنین از قسمت ج بند ۱ حمایت از محصولات فرهنگی هنری از طریق تخصیص فضاهایی در مراکز فرهنگی که همان مؤلفه برقراری امنیت در فضا است استنباط می‌شود. براساس بند ۲ می‌توان یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین این تدابیر را برای حفظ، توسعه و ترویج فرهنگ، تخصیص امکانات مادی و معنوی برای ایجاد مراکز فرهنگی متعدد با توجه به تمدن و فرهنگ بومی منطقه دانست. به عبارتی توجه به مؤلفه بهره‌وری و سودمندی فضا در طراحی استنباط می‌شود. از بند ۳ حق پیشرفت برداشت می‌شود و این که برای طراحی و ساخت مراکز فرهنگی الزامی به پیروی از فرم و طرحی خاص یا طرح‌های متداول جوامع غربی نیست و طرح از آزادی لازم برای استفاده از منابع غنی و اصیل فرهنگ بومی و اعمال خلاقیت مورد نیاز برای به‌کارگیری این الگوها در طراحی خود برخوردار است (تصویر ۲).

• پیمان‌نامه حقوق کودک (۱۹۸۹)

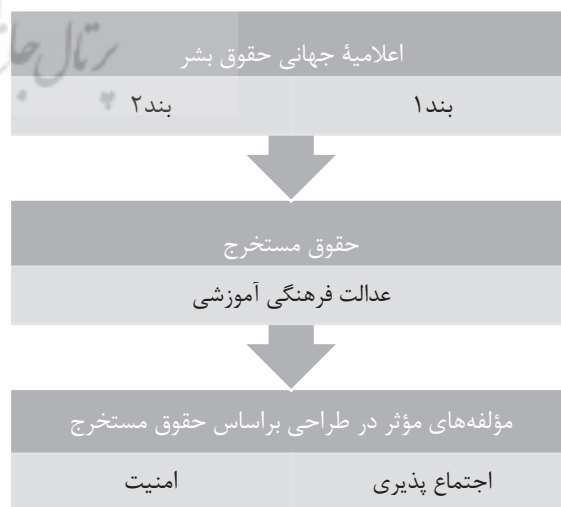
سومین و آخرین سندی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است پیمان‌نامه حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ است. به دلیل اهمیتی که فضاهای فرهنگی می‌توانند در فرهنگ‌سازی و شخصیت‌سازی افراد داشته باشند، باید در طراحی این گونه فضاها توجه ویژه و خاصی به کودکان که آینده‌سازان هر ملتی محسوب می‌شوند مبذول شود. در ماده ۲۹ بند ۱ و ماده ۳۱، بند ۱ و ۲ اشاراتی برای طراحی فضاهای فرهنگی مناسب کودکان می‌توان یافت.

در ماده ۲۹ حقوق فرهنگی کودکان این گونه بیان شده است، «۱- کشورهای طرف کنوانسیون موافقت می‌کنند که موارد ذیل باید جزء آموزش و پرورش کودکان باشد؛ الف) پیشرفت کامل شخصیت، استعدادها و توانایی‌های ذهنی و جسمی کودکان؛ ب) توسعه احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و اصول مذکور در منشور سازمان ملل؛ ج) توسعه احترام به والدین کودک، هویت فرهنگی، زبان و ارزش‌های ادبی و ملی کشوری که در آن زندگی می‌کند و به موطن اصلی کودک و به تمدن‌های متفاوت با تمدن وی؛ د) آماده‌کردن کودک برای داشتن زندگی مسئولانه در جامعه‌ای آزاد و با روحیه‌ای از تفاهم، صلح، صبر، تساوی زن و مرد و دوستی بین تمام مردم، گروه‌های قومی، مذهبی و ملی و اشخاص دیگر؛ ه) توسعه احترام نسبت به محیط طبیعی» (کنوانسیون حقوق کودک، ۱۹۸۹، ۹ و ۱۰). لزوم رعایت بند ۱ ماده ۲۹ پیمان‌نامه حقوق کودک در طراحی مراکز فرهنگی که یکی از پایگاه‌های مهم آموزشی و فرهنگی برای قشر جوان به ویژه کودکان محسوب می‌شود، طراحان را ملزم می‌سازد تا فضاهایی با قابلیت رشد

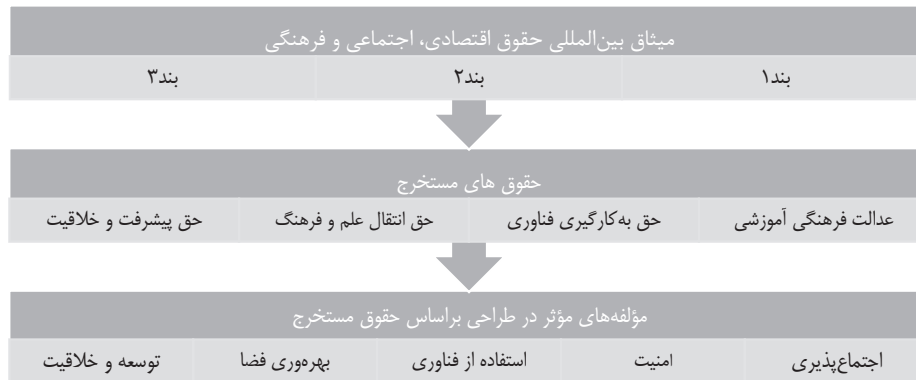
بخشی از این مراکز را باید به حفاظت، نگهداری، ارزش‌گذاری و معرفی، فروش آثار هنرجویان یا محصولات فرهنگی و هنری بومی منطقه با رعایت حقوق مادی و معنوی آن‌ها اختصاص داد؛ لذا از بند ۲ مؤلفه امنیت استنباط می‌شود (تصویر ۱).

• میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶)

سند بین‌المللی دیگری که در آن به حقوق فرهنگی اشاره شده است، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ است، در ماده ۱۵، بند ۱، ۲ و ۳ این گونه آمده است، «۱- کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را در امور ذیل به رسمیت می‌شناسند، الف) شرکت در زندگی فرهنگی؛ ب) بهره‌مند شدن از پیشرفت‌های علمی و مجاری آن؛ ج) بهره‌مند شدن از حمایت منافع معنوی و مادی ناشی از هرگونه اثر علمی، ادبی یا هنری که مصنف (یا مخترع) آن است. ۲- تدابیری که برای تأمین اعمال کامل این حق توسط کشورهای طرف این میثاق اتخاذ خواهد شد، شامل تدابیر لازم برای تأمین حفظ، توسعه و ترویج علم و فرهنگ باشد. ۳- کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که آزادی لازم برای تحقیقات علمی و فعالیت‌های خلاقه را محترم بشمارند» (میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۹۶۶، ۸ و ۹). کشورهای طرف این میثاق به فواید حاصل از تشویق و توسعه، همکاری و تماس‌های بین‌المللی در زمینه علم و فرهنگ اذعان می‌کنند. در ابتدای استناد به بند ۱ قسمت الف لازم به ذکر است عبارت زندگی فرهنگی یک ارجاع صریح به فرهنگ به عنوان یک فرایند زنده تاریخی، پویا و توسعه‌پذیر دارای گذشته، حال و آینده است. این بند مشابه حقوق ذکر شده در ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر است. در این بند تمامی افراد حق استفاده از هرگونه امکانات فرهنگی



تصویر ۱. دیاگرام حقوق و مؤلفه‌های مستخرج از مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۲. دیاگرام حقوق و مؤلفه‌های مستخرج از مفاد میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. مأخذ: نگارندگان.

هدف، کاربردی بوده چراکه به حقوق و مؤلفه‌های مؤثر در طراحی فضاهای فرهنگی که دارای جنبه کاربردی و عملکردی مؤثر در بهبود کیفیت فضاها هستند می‌پردازد و براساس ماهیت توصیفی-تحلیلی است، از این جهت که ابتدا اسناد موردنظر پژوهش را در چارچوب حقوق فرهنگی توصیف کرده، سپس به تحلیل و استخراج مؤلفه‌های مؤثر و ارائه راه‌کارهای معمارانه پرداخته شده است، لذا جهت دست‌یابی به نتایج پژوهش از استدلال قیاسی بهره می‌گیرد. ابزار دسترسی به اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای بوده و سعی شده از اسناد و پژوهش‌های معتبر در این راستا بهره گرفته شود. لازم به ذکر است از آنجا که در این پژوهش به حقوق فرهنگی با مرکزیت معماری پرداخته می‌شود، رویکرد میان‌رشته‌ای است.

یافته‌های پژوهش

مفاد مندرج در اسناد بین‌المللی منتخب بیان‌گر شماری از مؤلفه‌های مؤثر در طراحی فضاهای فرهنگی است که باید به عنوان حقوق و الزامات طراحی در اجرا و ساخت این‌گونه فضاها لحاظ شود. شاخص‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در طراحی فضاهای فرهنگی شامل اجتماع‌پذیری، هویت (ایرانی)، توجه به نیاز کودکان و بهره‌وری و سودمندی فضاها هستند (تصویر ۴). در ادامه جایگاه مؤثرترین مؤلفه‌ها در معماری بررسی می‌شوند.

• اجتماع‌پذیری

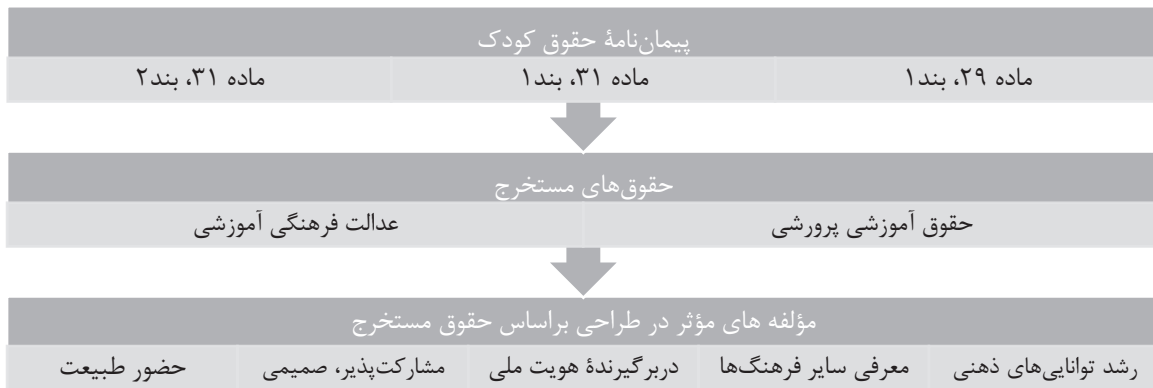
فضاهای فرهنگی به دلیل ویژگی تنوع عملکردی، بستری مناسب جهت برقراری تعاملات اجتماعی محسوب می‌شوند. لذا توجه به وجوه اجتماعی فضا در طراحی بناهای فرهنگی و کشف ارتباط بین کیفیت‌های فضایی و مفاهیم اجتماعی به ویژه اجتماع‌پذیری در توفیق این فضاها یک ضرورت است (منصوری و ثقفی اصل، ۱۳۹۹، ۲۶۹). براساس دیدگاه لارس لِر آپ^۶ ایجاد فضای عمومی که پذیرای افراد مختلف است باید دارای این عوامل باشد: «۱. تأمین قلمرو، امنیت، ساختار منسجم، تداوم، خوانایی و قابل پیش‌بینی بودن فضاها؛ ۲. وجود تسهیلات مناسب در فضا، پاسخ‌گویی، راحتی و آسایش محیطی؛ ۳. میزان اطلاعات، شور

شخصیت، استعدادها و توانایی ذهنی و جسمی کودک خلق کنند، همچنین بنابر قسمت (ب) این ماده در بند ۱، در طراحی این فضاها با به‌کارگیری عناصر فرهنگی معماری بستری جهت آشنایی و معرفی دیگر فرهنگ‌ها فراهم کرده و احترام به ارزش‌ها و حقوق اقوام گوناگون جهت ترغیب سایرین در رعایت حقوق بشر را ترویج می‌کند. بنابر قسمت ج بند ۱ ماده ۲۹ طراحی این مراکز فرهنگی باید تبلور فرهنگ، هویت فرهنگی، زبان و ارزش‌های ادبی و ملی افراد اعم از کوچک و بزرگ باشد. همچنین بنابر قسمت د این بند طراحی فضاها باید به‌گونه‌ای باشد که در کودک حس مشارکت، برابری و پذیرش دیگر اقوام را ایجاد کند و بنابر قسمت ه باید فضاها در تعامل با طبیعت پیرامون خود طراحی شوند.

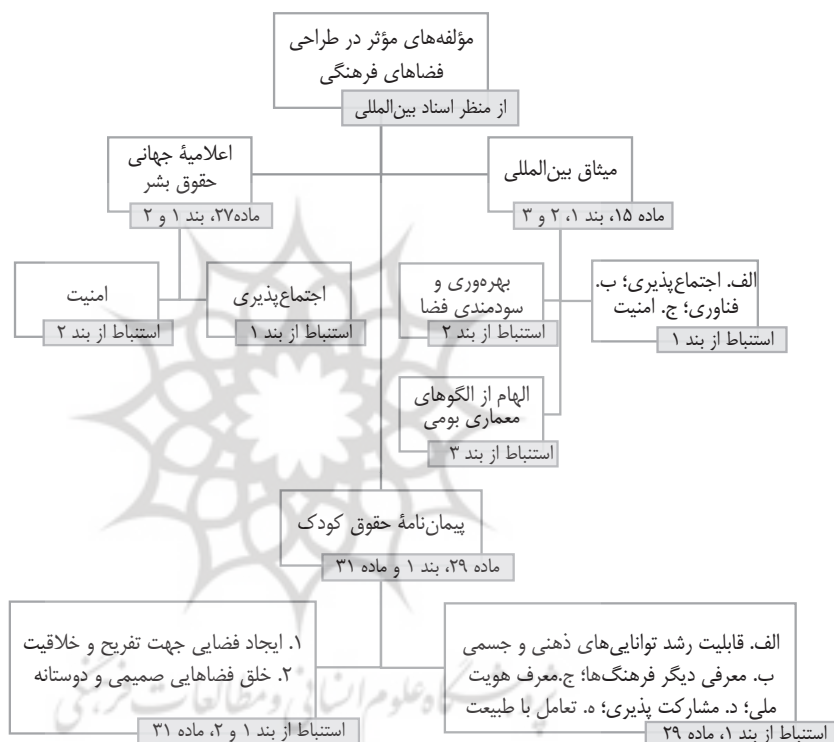
در ماده ۳۱ پیمان‌نامه حقوق کودک نیز اشاراتی به لزوم رعایت حقوق فرهنگی کودکان شده است بدین مضمون، «۱- کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را برای تفریح، آرامش، بازی و فعالیت‌های خلاق مناسب سن خود و شرکت آزادانه در حیات فرهنگی و هنری به رسمیت می‌شناسند؛ ۲- کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را برای شرکت کامل در حیات فرهنگی و هنری محترم شمرده و توسعه می‌دهند و فراهم کردن فرصت‌های مناسب جهت شرکت در فعالیت‌های فرهنگی، هنری خلاق و تفریحی را تشویق خواهند کرد» (کنوانسیون حقوق کودک، ۱۹۸۹، ۱۰). از بند ۱ ماده ۳۱ پیمان‌نامه حقوق کودک می‌توان دریافت فضاهای فرهنگی علاوه بر فضاهای مناسب برای آموزش کودکان باید دارای فضاهایی برای تفریح و فعالیت‌های خلاقانه کودکان نیز باشند و این ویژگی در طراحی مراکز فرهنگی چون فرهنگسرا لحاظ شود. برای اجرای بند ۲ سهل‌ترین روش طراحی و در نظر گرفتن فضاهایی مناسب برای کودکان در مراکز فرهنگی و تشویق‌کننده و صمیمانه‌بودن طراحی آن‌ها برای حضور کودکان و ترغیب ایشان به ماندن در چنین مراکزی است (تصویر ۳).

روش تحقیق

روش به‌کاررفته در این پژوهش جهت اثبات فرضیه پژوهش براساس



تصویر ۳. دیاگرام حقوق و مؤلفه های مستخرج از مفاد پیمان نامه حقوق کودک. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۴. دیاگرام مؤلفه های مؤثر در طراحی فضاهای فرهنگی مستخرج از اسناد بین المللی. مأخذ: نگارندگان.

افراد فراهم کند (احمدمرادی و پاشائی کمالی، ۱۳۹۶، ۳۵). بنابراین دو مؤلفه اجتماعی و کالبدی - محیطی در طراحی معماری مراکز فرهنگی جهت تقویت تعاملات اجتماعی تأثیرگذار است (منصوری و ثقفی اصل، ۱۳۹۹، ۲۶۹). بقای فضاهای عمومی در گروهی حضور افراد مختلف و ایجاد فضایی پویا و زنده است، مؤلفه های کالبدی مؤثر بر حضور و رفتار اجتماعی افراد در جدول ۱ ارائه شده است. همچنین لازمه اجتماع پذیری در یک فضای عمومی، حس تعلق خاطر مردم به فضا و تعامل با یکدیگر است که در یک فضای اجتماعی پویا همراه با آرامش، حس مالکیت و عدالت برقرار می شود (همان، ۲۷۳ و ۲۷۴). توجه به مذهب در طراحی نیز از طریق ایجاد حس مکان سبب حضورپذیری اقشار مختلف در فضا

و هیجان محیطی که مستلزم وجود ابعادی چون پیچیدگی و رمزآلودگی، آموزش، گوناگونی و تضاد، انتخاب خلوت و دلبستگی در فضا است و ۴. تعاملات اجتماعی» (محمدی و آیت اللهی، ۱۳۹۴، ۸۳). لذا در فضای عمومی اجتماع پذیر افراد از گروه های اجتماعی مختلف موفق به ملاقات یکدیگر شده و به آن دسترسی آسان دارند و این مقرها با فرهنگ و تعلقات ذهنی افراد پیوند داشته و گواه هویت آنان است، این گونه سبب حس آشنایی و بهبود کیفیت ارتباطات در کاربران می شود. بنابراین معماری مجموعه فرهنگی باید در پیوند با زمینه فرهنگی، اقلیم منطقه، معماری سایر بناها و کاربری مدنظر طراح بوده، امنیت و جذابیت کافی جهت تعامل

سپس نشان‌گر ارزش‌های مطلوب جامعه است. در سرزمین ایران با توجه به پیشینه و غنای فرهنگی که کرد آن در شهرسازی و معماری تجلی یافته و در سطح جهان شناخته شده است، ساختن شهرها و تولید عناصر معماری با حساسیت ویژه‌ای توأم است (اوجیزی و مهدی‌نژاد، ۱۳۹۸، ۳۳). به عبارتی توجه به مؤلفه‌های معماری ایرانی - اسلامی در طراحی فضاهای عمومی سبب خلق فضایی زنده و پویا می‌شود و با تأثیر بر ذهن افراد به برقراری تجمعات و خاطرات جمعی جهت آرامش روحی می‌انجامد که علاوه بر ارزش‌های کمی، نیازهای کیفی را نیز مرتفع می‌سازد و امکان تفکیک بهتر فضا، ایجاد حس سکون و پویایی را همزمان فراهم می‌آورد (نصر و عمادی، ۱۴۰۰، ۶۰). لذا هویت‌مندی فضا از نظر جامعه‌شناسی سبب پویایی، سرزندگی، آشنایی و حس تعلق به فضا می‌شود.

نشانه‌ها و عناصر معنا ساز به عنوان محور اصلی حس مکان، با ایجاد ادراکی درونی از فضا، سبب خلق هویت، زیبایی و لذت از فضا می‌شوند؛ لذا حس مکان با حمایت از مفاهیم فرهنگی و روابط اجتماعی جامعه با یادآوری تجارب گذشته سبب دستیابی افراد به هویت می‌شود (همان، ۷۳). بی‌شک اسلام از عناصر اصلی و سازنده هویت ایرانی محسوب می‌شود (مفتخری، ۱۳۹۲، ۹۳). در ادامه به شماری از اصول و مؤلفه‌هایی که نقش مؤثری در ایجاد هویت ایرانی اسلامی دارند اشاره می‌شود. اصل سلسله‌مراتب، سطوح اشکال توسط سلسله‌مراتب فضا مشخص شده که به لحاظ فیزیکی مرزهای شکل را مشخص کرده و از نظر عقلی جان را به مراتب بالاتر هدایت می‌کنند (اردلان و بختیار، ۱۳۹۶، ۶۳). بنابراین سلسله‌مراتب، اولویت فضاها را از نظر دسترسی مشخص کرده و از جزء به کل هدایت می‌کند، بدون اینکه در افراد حس گيجی یا گم‌شدگی بروز کند. اصل درونگرایی، «معنای درون از یک فضا یعنی، محصوریت، ضوابط دخول، حوزه خلوت، دوام حضور در قلمرو و تفکیک جنسیتی، که با سیر درونی به سوی خدا (طریقت) و نظام

شده و از تک‌قطبی شدن فضا جلوگیری می‌کند، به عبارتی دین و گرایش‌های مذهبی از طریق تأثیر عمیق بر روابط میان مردم عامل مؤثری بر حضورپذیری فضاهای عمومی تلقی می‌شود که با تأثیر بر معماری کیفیت زندگی و شخصیت افراد را شکل می‌دهد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۵۴). به عبارتی مشخصه اصلی فضاهای فرهنگی به عنوان عامل هویت‌بخش منطقه، حضور افراد جهت تعامل و تقابل اجتماعی بوده که ارزش‌ها و هنجارها به فضا معنا می‌دهد، سبب جذابیت و گیرایی آن شده و زمینه معاشرت و تردد را فراهم می‌سازد (منصوری و ثقفی‌اصل، ۱۳۹۹، ۲۷۶). بنابراین رضایت‌مندی کاربران در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و کالبدی سبب امنیت خاطر افراد و سرزندگی، ایجاد روحیه مشارکتی، تنوع، تمایل به حضور، آرامش و درنهایت اجتماع‌پذیری فضا می‌شود، لذا افراد با اختیار در برنامه‌های فرهنگی-اجتماعی مشارکت کرده و باعث ارتقاء سطح تعاملات اجتماعی می‌شوند (جدول ۲)؛ (همان، ۲۸۶).

• هویت

هویت به معنای حس تعلق به یک مای مشترک بوده که این مای می‌تواند محله، موقعیت، مذهب و ... باشد و با به‌کارگیری عوامل هویت‌دهنده و وحدت‌بخش، ایجاد علاقه و پیوند میان افراد در فضا و تأمین فضا جهت برگزاری اجتماعات حاصل می‌شود (مقصودی و همکاران، ۱۳۹۸، ۴۶). لذا هویت همانند اجتماع‌پذیری یک ویژگی مهم و ضروری برای فضاهای فرهنگی محسوب می‌شود که باید در طراحی لحاظ شود. بدین شکل که شاخص‌های فرهنگی جامعه بدنه معماری را تشکیل داده و تنها افرادی که با فرهنگ ملی زندگی می‌کنند قادرند معماری با هویت تولید کنند. مطالعات نشان می‌دهد که معماری با هویت گذشته به دلیل بازتاب ارزش‌های انسانی در معماری بوده است. بنابراین اگر هویت معماری را در فرهنگ و سنت توصیف کنیم، معماری مبتنی بر نیازهای امروز، فرهنگ و سنت‌های گذشته، معماری با هویت است و این هویت برای همیشه با ماست و خواهد بود (Ettehad et al., 2014, 417).

معماری با هویت نخست نمایان‌گر ارزش‌های مسلط بر جامعه بوده،

جدول ۱. مؤلفه‌های کالبدی، کاربرد و معیار آن‌ها. مأخذ: محمدی و آیت‌اللهی، ۱۳۹۴، ۸۵.

مؤلفه‌ها	موارد کاربرد	معیارها
موقعیت قرارگیری و دسترسی‌ها	دسترسی بصری و فیزیکی فضا برای همه افراد	چگونه افراد به فضا می‌رسند، میزان فاصله فضا از ورودی‌های فعال
فرم، هندسه، نظم، هماهنگی، هارمونی، تنوع ابعاد و تناسب و سایر ابعاد زیباشناسانه	مطابقت فضا با رفتار افراد قابلیت‌های فضا در پاسخ‌گویی به حضور افراد آسایش افراد در فضا	نقش عناصر کالبدی در هنگام تعاملات اجتماعی، میزان آسایش افراد از حضور در فضا، ارتباط عناصر مصنوع و طبیعی با حضور افراد
شکل‌گیری و سامان‌دهی فضاها	هماهنگی عملکردهای همجوار ارتباط فضاهای عملکردی و نقاط کانونی	مکان شکل‌گیری نقاط کانونی تعاملات، میزان فاصله نقاط کانونی از فضای عملکردی
مشکلات و موانع تحرکات استفاده‌کنندگان	امکان استفاده از فضاهای فعالیتی برای همه افراد	میزان حضور افراد از گروه‌های مختلف، درصد موانع در مسیر دسترسی تا فضا (وجود پله، در، نگهبان و...)

مؤلفه‌ها	موارد کاربرد	معیارها
تنوع	کاربری‌های متنوع برای تمامی سنین و جنسیت‌ها	پذیرش رفتارهای دلخواه و افزایش اجتماع‌پذیری
سرزندگی	به‌کارگیری فرم، رنگ و مصالح مطلوب	حضور دائمی افراد
نفوذپذیری	به‌کارگیری فرم و نمای متنوع و شفاف، طراحی محیط متفاوت	سهولت دسترسی اقشار مختلف جامعه

حضور عوامل طبیعی، در معماری سنتی ایران، عوامل طبیعی نظیر نور، آب، باد و گل و گیاه با عناصر معماری و انسان پیوندی ناگسستنی برقرار کرده‌اند.

• فضاهایی پاسخ‌گو به نیاز کودکان

همان‌گونه که اشاره شد فضاهای فرهنگی قرارگاه‌های رفتاری بوده که باید از قابلیت پاسخ‌گویی به نیازهای گروه‌های مختلف سنی برخوردار شوند. لذا تخصیص مکان‌هایی مناسب کودکان از ضروریات این فضاها محسوب می‌شود. چراکه فضاهای فرهنگی می‌توانند نقش مهمی در رشد شخصیتی، اجتماعی و جسمانی کودکان ایفا کنند. بنابراین شناخت نیازهای کودکان و دقت در به‌کارگیری ویژگی‌های مؤثر در رشد همه‌جانبه آنان و اعمال آن در طراحی، در ایجاد فضای فرهنگی کارآمد با قابلیت پذیرش کودکان اثرگذار خواهد بود. تأکید قرآن کریم و روایات اسلامی نیز بر انطباق فضاها و محیط‌های شهری با نیازهای رفتاری و روانشناسی کودکان است، زیرا محیط و فرهنگ در تعامل و رفتار اجتماعی کودکان مؤثر است (احمدیان و اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۳، ۱۲۸). از عمده‌ترین ویژگی‌ها و نیازهای کودک را می‌توان تخیل و خیال‌پردازی، کنجکاوی و اکتشاف و بازی به‌علاوه عوامل محیطی مانند طبیعت، شکل و وسعت فضا، مبلمان، پیچیدگی و تحریک‌کنندگی دانست (عطائی و ترابی، ۱۴۰۰، ۱۵۵). در یک تقسیم‌بندی کلی‌تر نیاز کودک را به نیازهای فیزیولوژی (فعالیت‌های حرکتی، تعادل واکنش‌ها، ادراکات حسی مانند بوییدن و ...)، روان‌شناختی (عزت‌نفس، مسئولیت‌پذیری، تخیل، خلاقیت، اشتیاق، اکتشاف، شناخت مفاهیم و ...)، اجتماعی (تجربه و شناخت گروه، تعلق خاطر، نوع‌دوستی و ...) و تربیتی (انتقال باورها و رفتارهای بزرگسالان و ...) تقسیم کرده‌اند (سلیمانی و خیری، ۱۴۰۰، ۳۰۹). در جدول ۳ شماری از مهم‌ترین نیازهای کودکان و شیوه پاسخ‌گویی به آن‌ها ارائه داده شده است.

• بهره‌وری و سودمندی فضاهای فرهنگی

آخرین ویژگی استنباطی از مفاد اسناد بین‌المللی، بهره‌وری و سودمندی فضا است. با در نظر گرفتن هزینه، زمان و انرژی مصرفی در این فضاها، تلاش برای طراحی محیطی کارآمد و بهینه‌سازی شده یک ضرورت است. دستیابی به محیط‌های کارآمد

بیرونی (شریعت) در انطباق است» (ناری‌قمی، ۱۳۸۹، ۶۹ و ۷۰). بنابراین معماری ایرانی-اسلامی رو به سوی درون دارد و فرد باید از پوسته بیرونی آن عبور کرده تا موفق به فهم و ادراک فضای درون شود.

اصل حریم و حجاب، جهت رعایت محرمیت دیداری و شنیداری در کالبد از ابزارهایی مانند درون‌گرایی (توجه به درون)، سلسله‌مراتب (تفکیک قلمروها)، مکان‌یابی (مصونیت از دید مزاحم) و تناسبات (افزایش ابعاد و ارتفاع در فضاهای عمومی‌تر مانند هشتی و کاهش ارتفاع در فضاهای با عمومیت کمتر مانند دالان جهت افزایش محرمیت و حفظ حرمت‌ها) بهره‌گرفته می‌شود و هر یک از این ابزارها براساس روش‌ها و عناصر مختلف محرمیت را ایجاد می‌کنند (مؤمنی و ناصری، ۱۳۹۴، ۲۲-۳۰). بنابراین جهت حفظ حریم در معماری فضاها از اصولی مانند سلسله‌مراتب، دسترسی غیرمستقیم، تفکیک و شاخص‌سازی فضاها و توجه به مقیاس انسانی بهره‌گرفته شده است.

اصل تعادل و هماهنگی، معماری ایرانی متعادل است، به این مفهوم که با شناخت طراحان از بستر طبیعی در ابتدا جمعیت شهر در تناسب با ظرفیت موجود در طبیعت تنظیم می‌شود؛ سپس در برپائی بناها از مصالح بوم‌آور استفاده می‌شود؛ در نهایت بین اجزاء در نماها و احجام شاخص تعادل برقرار می‌شود (اوجیزی و مهدی‌نژاد، ۱۳۹۸، ۴۱). اصل احترام از کبر و جلوه‌گری، بناها از نظر ارتفاع و تزئینات بر یکدیگر برتری ندارند و گونه‌ای تناسب و تعادل در سازمان‌دهی فضاها دیده می‌شود.

اصل وحدت، وحدت از اصول زیربنایی در معماری محسوب می‌شود و عناصر تشکیل‌دهنده بنا براساس اصل مهم توحید در کنار یکدیگر سازمان یافته و یک مفهوم واحد را شکل می‌دهند.

اصل امنیت، با توجه به تأکید قرآن بر برقراری امنیت فضاهای شهری، این اصل به عنوان یکی از اصول پراهمیت در معماری ایران مورد توجه قرار گرفته است. آیه ۱۱۲ سوره نحل «و ضرب الله مثلاً قریه کانت ءامنه مطمئنه یأتیها رزقها رغداً من کل مکان ...» ویژگی سرزمین آباد را نعمت امنیت، برشمرده است که سبب آسایش و اطمینان جامعه می‌شود.

برای طراحی فضاهای فرهنگی ایجاد می‌کنند که به ترتیب اولویت عبارت‌اند از، اجتماع‌پذیری، به‌کارگیری مؤلفه‌های هویت ملی، توجه به نیاز کودکان و طراحی محیطی پاسخ‌گو و تأمین‌کننده نیاز کودکان و در نهایت بهره‌وری و سودمندی فضا که هر کدام به تنهایی مستلزم اعمال راه‌کارهای معمارانه هستند. این‌گونه فضاها نه تنها باید با افزایش اجتماع‌پذیری و بهره‌وری در چهار بعد فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و محیطی و به‌کارگیری عناصر هویتی منطقه پذیرای اقشار مختلف جامعه باشند، بلکه باید برای استفاده کودکان نیز مناسب‌سازی شده و طراحی‌شان با هدف رشد ذهنی، عاطفی، فیزیکی و اجتماعی کودک و ایجاد محیطی شاد و دعوت‌کننده صورت گیرد. در ادامه مؤلفه‌های مؤثر به همراه راه‌کارهای معمارانه جهت تحقق هر کدام از مؤلفه‌ها به صورت جمع‌بندی در قالب دیاگرام‌هایی ارائه شده است (تصاویر ۵-۷).

هر کدام از مؤلفه‌های نام‌برده نیاز به بررسی و پژوهش بیشتری دارند که مجال آن در این پژوهش نمی‌گنجد. در آخر امید است که این پژوهش زمینه‌ای برای تحقیقات بیشتر در زمینه طراحی فضاهای فرهنگی ایجاد و مدیران و مجریان قانون را وادار به وضع قوانین و حقوق سختگیرانه‌تری در ارتباط با تحقق مؤلفه‌های مؤثر در طراحی فضاهای فرهنگی کند.

نیاز به تغییر معیارهای زیست‌محیطی دارند تا بتوانند تأثیر مثبتی بر فعالیت‌ها و یادگیری در کاربران داشته باشند. بنابراین، ایجاد شرایط مناسب برای ارتقادات یادگیری کاربران نیاز به استفاده کامل از دانش جامع معماری و طراحی محیط فیزیکی با توجه به ابعاد محیطی، اجتماعی و زیبایی‌شناختی دارد (Azemati, Aminifard, Pourbagher, 2018, 6).

به عبارتی بهره‌وری فضاهای فرهنگی بسته به نوع فضا، در چهار بعد فرهنگ، آموزش، اقتصاد و محیط، قابل بررسی است، به عنوان مثال در مدارس بهره‌وری آموزشی و محیطی بر دو بعد دیگر اولویت دارد، ولی در فرهنگسراها بهره‌وری فرهنگی، آموزشی، محیطی و اقتصادی دارای درجه اهمیت یکسانی است (جدول ۴).

نتیجه‌گیری

فضاهای فرهنگی به عنوان قلب تپنده فرهنگ جوامع از تعدادی حقوق در طراحی خود برخوردارند که نادیده گرفتن این حقوق می‌تواند از کارایی این فضاها بکاهد. بررسی حقوق فرهنگی مندرج در اسناد بین‌المللی بیان‌گر حقوق الزامی در طراحی این فضاها مانند حفظ و انتقال فرهنگ بومی، رعایت عدالت فرهنگی آموزشی، رعایت حقوق کودکان و ... است. این حقوق خود شماری ویژگی‌ها را

جدول ۳. نیازهای کودک به همراه پاسخ. مأخذ: نگارندگان.

نیازهای کودک به همراه پاسخ

روانی			
ایجاد انگیزه و محرک	تخیل و خیال‌پردازی	کنجکاوی و اکتشاف	بازی
استفاده از نور در احجام پر و خالی به‌کارگیری فضاهای غیرمعمول و متنوع مانند کلبه	به‌کارگیری نور و عناصر طبیعی طراحی پنجره با شیشه‌های رنگی	فرم‌های ناآشنا، یادمان‌ها، کف و دیوار متحرک نورپردازی، دیوار با بافت متفاوت برای هر فضا	مشارکتی، فعال، ابتکاری و حسی
محیطی			
شکل و وسعت فضا	چیدمان	پیچیدگی	انعطاف‌پذیری
استفاده از اشکال دایره و بیضی اندازه در مقیاس کودک و به لحاظ عملکرد مناسب ارتباط	چیدمان آموزشی، آموزشی-بازی و بازی چیدمان متنوع مناسب گروه سنی	معبدهای پیچ‌در‌پیچ الگوهای فضایی متغیر با استفاده از نور، سایه و آینه	فضای چندعملکردی با به‌کارگیری مبلمان متحرک و پارتیشن

پی‌نوشت‌ها

۵. Eudre
۶. Carmona
۷. Lars Ler up

۱. The Universal Declaration of Human, 1948
۲. Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1966
۳. the Convention on the Rights of the Child, 1989
۴. Educat, education

بهره‌وری فضاهای فرهنگی	
آموزشی	فرهنگی - اجتماعی
<p>برنامه‌ریزی آموزشی و ایجاد مکان‌ها و کارگاه‌هایی جهت آموزش علوم و فنون</p>	<p>- در نظر گرفتن مکان‌هایی جهت فعالیت‌های فرهنگی مذهبی برای ترغیب به مشارکت در امور متأثر از نیاز به تعلق، احترام و خودشکوفایی (مقصودی و همکاران، ۱۳۹۸، ۴۷).</p> <p>- پیش‌بینی فضاهایی مانند موزه مردم‌شناسی جهت معرفی فرهنگ بومی منطقه</p> <p>- احداث کتابخانه جهت ارتقاء سطح دانش عمومی</p> <p>- ایجاد کانون تمرکز جهت تعاملات اجتماعی و انتقال فرهنگی</p> <p>- هویت‌بخشی و ایجاد حس تعلق به وسیله عناصر بومی و آشنا</p>
محیطی	اقتصادی
<p>- آسایش محیطی با استفاده از نور طبیعی، بازشو، تنظیم دما، هوا و صدا</p> <p>- توجه به عوامل بصری مانند رنگ، مقیاس، مصالح، ارتباط بصری بین فضاها و طبیعت</p> <p>- سازمان‌دهی فضا از طریق سیرکولاسیون، قابلیت دسترسی، انعطاف‌پذیری، اتصال بین فضای داخلی و خارجی، مبلمان، فضای باز و طرح‌بندی</p> <p>- فاکتورهای روان‌شناسی نظیر امنیت، خوانایی، تأمین خلوت و قلمرو و اجتماع‌پذیری (Azemati et al., 2018, 6).</p>	<p>- در نظر گرفتن مکانی جهت فروش و معرفی محصولات فرهنگی</p> <p>- پیش‌بینی رستوران، کافی‌شاپ، آمفی‌تئاتر و چاپخانه جهت کسب درآمد</p>



تصویر ۵. دیاگرام مؤلفه‌ها و راه‌کارهای معماری برگرفته از مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۶. دیاگرام مؤلفه‌ها و راه کارهای معماری برگرفته از میثاق بین‌المللی. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۷. دیاگرام مؤلفه‌ها و راه کارهای معماری برگرفته از کنوانسیون حقوق کودک. مأخذ: نگارندگان.

فهرست منابع

- احمد مرادی، سلیمان و پاشائی‌کمالی، فرشته. (۱۳۹۶). طراحی فرهنگسرای شهیدا و تأثیر آن بر احیای مناطق کردنشین، مورد مطالعه: پیرانشهر. *مطالعات هنر و فرهنگ*، ۳۲-۵۴ (۳).
- احمدیان شالچی، نسرین و اسماعیل‌زاده کواکی، علی. (۱۳۹۳). جایگاه کودکان در شهر اسلامی با توجه به آموزه‌های دینی. *مشکوئه*، ۱۲۴ (۱۲۴)، ۱۱۲-۱۲۹.
- اردلان، نادر و بختیار، لاله. (۱۳۹۶). حس وحدت، نقش سنت در معماری ایرانی (ترجمه و نداد جلیلی). تهران: علم معمار روایال.
- اعلامیه جهانی حقوق بشر. (۱۳۹۷). تصویب‌شده در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸. تهران: مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، تهران.
- امان پور، سعید و سعیدی، جعفر. (۱۳۹۶). تحلیلی بر تأثیر فرهنگ در ساخت شهرهای
- ایرانی اسلامی. *جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس*، ۳۱ (۳۱)، ۸۳-۱۰۴.
- اوچیزی، سمیه و مهدی‌نژاد، جمال‌الدین. (۱۳۹۸). بازآفرینی فضای معماری با رویکرد ارتقاء هویت ایرانی. *پژوهش‌های مرمت و معماری ایرانی و اسلامی*، ۴ (۴)، ۳۳-۴۵.
- چیت‌ساز، محمدعلی؛ همایون‌سپهر، محمد و امیرمظاهری، امیرمسعود. (۱۳۹۶). بررسی جامعه‌شناختی بازار شهر و تأثیر تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر کارکرد بازار در سه دهه اخیر ۸۰-۶۰ (مطالعه موردی: بازار قیصریه اصفهان). *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۷ (۲۴)، ۱۳۳-۱۵۶.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۳۰). *لغتنامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغتنامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- زرشکیان، سهرورد. (۱۳۹۴). درآمدی بر حقوق فرهنگی به عنوان یکی از مصادیق حقوق

- شهروندی، حقوق ملل، ۵(۱۷)، ۴۴۵-۴۷۲.
- سلیمانی، سارا و خیری، مبینا. (۱۴۰۰). فراتحلیلی کیفی بر ویژگی‌های محیطی مؤثر بر خلاقیت کودکان در مدارس و آموزشگاه‌ها. مدیریت مدرسه، ۹(۲)، ۳۰۱-۳۲۹.
 - سلیمی، عبدالحکیم. (۱۳۹۴). اسلام خاستگاه واقعی حقوق بین‌الملل. حقوق اسلامی، ۱۲(۴۷)، ۷۹-۱۱۱.
 - شایان‌فر، جواد؛ حسینی، سید محمد و مؤمنی، عابدین. (۱۴۰۰). جایگاه حق فرهنگی در نظام حقوقی اسلام و قوانین اساسی ایران، عراق و پاکستان با نگاهی به اسناد بین‌المللی. مطالعات شبه‌قاره، ۱۳(۴۱)، ۱۷۱-۱۹۴.
 - صادقی، علیرضا؛ موسوی سروینه‌باغی، الهه‌سادات و باستون، زهرا. (۱۳۹۷). بررسی معناداری رابطه‌ی جهت‌گیری مذهبی و شادکامی در بین شهروندان استفاده‌کننده از فضاهای عمومی شهری، نمونه‌ی موردی: شهر مشهد. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۹(۳۴)، ۱۴۹-۱۶۸.
 - صمدی، علی؛ موسوی، سید یعقوب و ازکیا، مصطفی. (۱۳۹۸). تحلیل جامعه‌شناختی - کالبدی فضاهای عمومی شهری، مطالعه‌ی موردی: کلانشهر تهران. شهر پایدار، ۲(۴)، ۱۰۱-۱۱۴.
 - عطائی، الهام و ترابی، زهره. (۱۴۰۰). نقش مؤلفه‌های کالبدی محیط در خلاقیت و پویایی ذهنی کودکان (در فضای معماری مختص کودکان رده‌ی ۳ تا ۶ سال). اندیشه معماری، ۱۵۰(۱۰)، ۱۶۲-۱۵۰.
 - فخرزاد، سیدحسین. (۱۳۹۲). اسلام و جهانی‌شدن (راهبرد جهان اسلام در جهانی‌سازی جغرافیای معرفتی اسلام). پژوهش‌های منطقه‌ای، ۲(۲)، ۹۹-۱۴۰.
 - فصیح‌امندی، منصوره. (۱۳۹۶). تضمین قانونی حقوق فرهنگی بشری مؤثر در برنامه‌ریزی فرهنگی. حقوق پزشکی، ۱۱(۴۰)، ۱۵۷-۱۷۸.
 - فضائی، مصطفی و کرمی، موسی. (۱۳۹۶). حمایت از فرهنگ و حقوق فرهنگی اقلیت‌ها در پرتو تفسیر عام شماره ۲۱ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی. پژوهش حقوق عمومی، ۱۹(۵۶)، ۳۲-۱۹.
 - قلعه‌نویی، محمود؛ معززی مهر طهران، امیرمحمد و شاکرمی، عاطفه. (۱۳۹۵). بررسی نقش فرهنگ در احیای محلات تاریخی (با تأکید بر رویکرد محله فرهنگی). مطالعات هنر و معماری، ۲(۷)، ۴۳-۵۴.
 - قیوم‌زاده، محمود و جهانگیری مقدم، روحالله. (۱۳۹۳). اخلاق مداری مبنای ارتقاء حقوق شهروندی. پژوهش‌های اخلاقی، ۵(۲)، ۸۷-۹۹.
 - کاوسی، اسماعیل. (۱۳۹۷). ارزیابی جایگاه مؤلفه‌های حقوق فرهنگی در نظام توسعه فرهنگی کشور. حقوق‌لاری، ۱۶(۶)، ۱۵۷-۱۸۰.
 - کربلایی حسینی غیاث‌وند، ابوالفضل و سهیلی، جمال‌الدین. (۱۳۹۷). بررسی نقش مؤلفه‌های کالبدی محیط در اجتماع پذیری فضاهای فرهنگی با استفاده از تکنیک چیدمان فضا، مورد مطالعه: مجتمع‌های فرهنگی دزفول و نیاوران. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۲۵(۲۵)، ۳۴۱-۳۷۴.
 - کنوانسیون حقوق کودک. (۱۹۸۹). تهران: صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) در ایران و مرجع ملی پیماننامه حقوق کودک «وزارت دادگستری».
 - لنگ، جان. (۱۳۹۵). آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط (ترجمه علیرضاعینی فر). تهران: دانشگاه تهران.
 - ماجدی، حمید؛ منصور، الهام و حاجی احمدی، آذین. (۱۳۹۰). بازتعریف فضای شهری

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Tourism of Culture journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

ستار، عسل؛ گسیلی، بهرام و رستم‌زاده، یاور. (۱۴۰۲). مؤلفه‌های مؤثر در طراحی فضاهای فرهنگی از منظر اسناد بین‌المللی. گردشگری فرهنگ، ۴(۱۲)، ۳۰-۴۳.



DOI: 10.22034/TOC.2023.383689.1108

URL: http://www.toc-sj.com/article_169591.html